

رابطه دین و تربیت

علی همت بناری

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه. قم. ایران

ah.banari@gmail.com

چکیده

دین از دیرباز در زندگی بشر نقشی حیاتی داشته است و بهویژه دین داران آن را ضامن سعادت دنیا و آخرت خود می‌پنداشته‌اند. با پیشرفت چشمگیر دانش‌های بشری و پیچیده‌تر شدن زندگی بشر رابطه دانش‌های بشری و دین اهمیت بیشتری یافته است و این امر بهویژه در دانش‌های کاربردی‌تر ضرورت مضاعف دارد. از جمله علوم کاربردی، دانش «تربیت» است. تعلیم و تربیت عرصه‌ای فراگیر است که قلمروی آن سراسر حیات انسان را دربر می‌گیرد؛ بنابراین، «نقش و جایگاه دین در زندگی» و «گستره و قلمروی تربیت» و تلاقي این دو در جامعه دینی، بررسی رابطه و میزان تعامل این دو را ضروری‌تر ساخته است. هدف این مقاله بررسی رابطه و تأثیر متقابل دین و تربیت است و روش آن توصیفی-تحلیلی و به‌گونه‌ای مقایسه‌ای است.

تربیت سه کاربرد مهم دارد که شامل تربیت به معنای «فرایند و عمل تربیت»، «نظام تربیتی» و «علم یا علوم تربیتی» است. تأثیر دین در کاربرد اول از دو جهت است: نخست، بیان حکم جواز یا عدم جواز شرعی فعالیت‌های تربیتی؛

دوم، زمینه‌سازی برای رنگ دینی بخشیدن به فعالیت‌های تربیتی. در کاربرد دوم تربیت نیز دین از جهاتی تأثیرگذار است: نخست، اظهارنظر درباره جواز یا عدم جواز شرعی برخی عناصر نظام تربیتی؛ دوم، ارائه گزاره‌های تربیتی جدید در عرصه مبانی، اصول، اهداف و روش‌های تربیتی در یک جامعه دینی که می‌توان از آنها نظام تربیتی دینی را استخراج کرد. تأثیر دین در علوم تربیتی نیز از سه جهت است: نخست، اظهارنظر دین درباره جواز یا عدم جواز برخی محتواها و فعالیت‌های مبتنی بر آنها؛ دوم، کمک دین به توسعه محتوایی برخی علوم تربیتی؛ سوم، کمک دین به توسعه علوم تربیتی و تأسیس دانش جدیدی چون تربیت دینی. تربیت و علوم تربیتی نیز دست‌کم در چهار زمینه به دین یاری می‌رسانند: ۱. طرح موضوعات جدید در برابر دین و فراخوانی دین به اظهارنظر درباره آنها؛ ۲. کمک به موضوع‌شناسی در بخش احکام عملی دین؛ ۳. کمک به فهم عمیق‌تر گزاره‌های دینی؛ ۴. کمک به آموزش آموزه‌های دینی.

کلیدواژه‌ها: دین، تربیت، علوم تربیتی، نظام تربیتی، فرایند تربیت، تعامل دین و تربیت.

بیان مسئله

امروزه توسعه مرزهای دانش و توجه همه جانبه به ابعاد مختلف زندگی انسان زمینه رشد و توسعه دانش‌های بین‌رشته‌ای را بیشتر فراهم کرده است؛ از این‌رو، موضوع رابطه و تعامل علوم با یکدیگر اهمیت ویژه‌ای دارد. از سوی دیگر، دین از دیرباز در زندگی بشر نقشی حیاتی داشته است و به‌ویژه دین داران آن را ضامن سعادت دنیا و آخرت خود می‌پنداشته‌اند. با پیشرفت چشمگیر دانش‌های بشری و پیچیده‌تر شدن زندگی بشر، اهمیت دین و جایگاه آن در زندگی دوچندان شده است؛ درنتیجه موضوع رابطه دانش‌های بشری و دین اهمیت بیشتری یافته است، این امر به‌ویژه در دانش‌هایی که کاربردی‌تر هستند ضرورت مضعاف دارد. از جمله علوم کاربردی می‌توان از «تریت» و علوم مربوط به آن نام برد. تربیت عرصه‌ای فراگیر است که قلمروی آن سراسر حیات انسان را در بر می‌گیرد؛ بنابراین، «نقش و جایگاه دین در زندگی» و «گستره و قلمروی تربیت» و به‌ویژه تلاقی این دو در یک جامعه دینی، بررسی رابطه و میزان تعامل این دو را ضروری‌تر ساخته است. هدف این مقاله بررسی رابطه و تأثیر متقابل دین و تربیت بوده که در صدد پاسخ‌گویی به دو

پرسش مهم زیر است:

۱. نقش و تأثیر دین در تربیت چیست؟

۲. دانش تربیت چه تأثیری می‌تواند در دین داشته باشد؟

از آنجاکه هم برداشت‌های مختلفی از دین وجود دارد و هم تربیت کاربردهای گوناگونی دارد، این تحقیق در صدد است ضمن اشاره به این برداشت‌ها و کاربردها، زمینه‌ها و عرصه‌های تعامل و تأثیر متقابل این دورا بررسی کند.

تعريف دین

در زمینه تعريف دین دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد و صاحب‌نظران علوم مختلف براساس نوع نگاه خود به دین، تعريفی از آن ارائه داده‌اند. در این میان متکلمان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان بیش از سایرین به تعريف دین توجه کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان این تعريف را در دسته‌های گوناگون و با رویکردهای متفاوت تقسیم و دسته‌بندی کرد که عبارت‌اند از: تعريف وجودی و ماهیتی، تعريف لغوی و اصطلاحی، تعريف درون‌دینی و برون‌دینی، تعريف اخلاقی و ارزشی یا هنجاری، تعريف کارکردگرایانه یا روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، تعريف غایت‌گرایانه، تعريف مُركب و مختلط یا عام و جامع نگر (خسرو پناه، ۱۳۸۲: صص ۲۷-۲۸؛ جبرئیلی، ۱۳۸۶: صص ۱۹۷-۱۹۳)؛ تعريف عام و فراگیر، تعريف ماهوی، تعريف روان‌شناختی، تعريف جامعه‌شناختی، تعريف غایت‌گرایانه و تعريف اخلاق‌گرایانه (جعفری، ۱۳۸۵: ص ۳۹)؛ دیدگاه‌های مختلف از جمله دیدگاه جامعه‌شناختی، دیدگاه نظری، دیدگاه شهودی و دیدگاه روان‌شناختی (حسینی، ۱۳۷۶: صص ۵۰-۴۸).

به نظر می‌رسد ذکر تعريف متعدد دین و نقد و بررسی آنها حداقل در این مقاله - که هدف آن بحث از رابطه دین با تربیت است و نه بحث از ماهیت و چیستی دین - چندان ضروری و مهم نباشد، بلکه مهم، ارائه ملاک برای یک تعريف مطلوب از دین و سپس ارائه تعريف مورد قبول است. همچنین، به نظر می‌رسد تعريف مطلوب از دین تعريفی است که ناظر به چیستی، واقعیات و محتوای ادیان گذشته و بهویژه در اینجا دین خاتم یعنی دین اسلام باشد؛ چه اینکه نمی‌توانیم بدون درنظرگرفتن واقعیات و محتوای آنچه واقع شده است از خود تعريفی وضع و ادیان را برابر آن تطبیق و با آن مقایسه کنیم؛ از سوی دیگر، دین در خلا و فارغ از ارتباط آن با انسان به وجود نیامده و فلسفه وجودی آن پاسخ‌گویی به نیاز انسان، تربیت و هدایت او است؛ بنابراین، در کنار ناظر بودن

تعریف به چیستی دین اشاره‌داشتن به این جهت نیز می‌تواند امتیازی برای تعریف باشد. به سخن دیگر هرچند این ویژگی بخشی از حقیقت و ماهیت دین نیست، چون فلسفه وجودی دین را تشکیل می‌دهد، ذکر آن در تعریف یک وجه رجحان به حساب می‌آید. حاصل آنکه تعریفی که هم ناظر به چیستی دین و هم هدف و فلسفه وجودی دین یعنی پاسخ‌گویی به نیازهای انسان و پرورش وی در ابعاد مختلف باشد، یک تعریف مطلوب به حساب می‌آید. با توجه به آنچه گفته شد تعریف موردنسبول در این مقاله عبارت است از:

«دین مجموعه حقایق (هست‌ها) و ارزش‌ها (بایدها و نبایدها) است که ازسوی خداوند به طور مستقیم و در قالب وحی یا به‌طور غیرمستقیم، توسط رسولان ووصی آنان برای تربیت انسان در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، مادی و معنوی ارائه شده است».

تربیت و کاربردهای آن

در زمینه تربیت نیز کاربردهای متفاوتی وجود دارد: کاربرد اول، «فرایند و عمل»؛ کاربرد دوم، «نظام تربیتی»؛ کاربرد سوم، «دانش تربیت (علوم تربیتی)» (میالاره، ۱۳۷۵: صص ۱-۳). در ادامه این کاربردها به اختصار بررسی می‌شود.

۱. تربیت به معنای فرایند و عمل تربیت

تربیت به عنوان فرایند، واقعیت بسیار عامی است که در همه سنین زندگانی و در همه اوضاع و احوال حیات انسانی به چشم می‌خورد (همان: ص ۳). برای تربیت به این عنوان تعاریف متعددی ارائه شده است که می‌توان آنها را این‌گونه دسته‌بندی کرد: اول، تعاریف با رویکرد آرمانی و فلسفی؛ دوم، با رویکرد توصیفی و تحلیلی؛ سوم، با رویکرد ترکیبی. تعاریف دسته اول ناظر بر هدف تربیت است و نوعی تعریف به هدف به حساب می‌آید؛ تعاریف دسته دوم به عمل و واقعیت تربیت و آنچه در عمل اتفاق می‌افتد نظر دارد؛ در تعاریف دسته سوم ضمن توجه به واقعیت و عمل تربیت، به هدف آن نیز نظر می‌شود.

به نظر می‌رسد نباید در تعریف تربیت از واقعیت تربیت و آنچه در عمل تحقق می‌یابد غفلت شود؛ بنابراین، در تعریف باید نظر به خود عمل و واقعیت تربیت باشد و هدف تربیت امری خارج از آن است. البته تردیدی نیست که پس از توجه به واقعیت تربیت، ناظر بودن تعریف به هدف آن خالی از فایده نیست و بلکه به نحوی تعریف گویاتر و روشنگرتر خواهد بود؛ ازین‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که تعریف تربیت با رویکرد ترکیبی مناسب‌ترین تعریف است. در اینجا نیز با پرهیز از

ذکر تعاریف گوناگون در رویکردهای مختلف و نقد و بررسی آنها، به ذکر تعریف موردنسبت اکتفا می‌شود که رویکرد ترکیبی دارد.

براساس تعریف موردنسبت، تربیت عبارت است از «فعالیتی هدفمند و دوسویه میان مربی و متربی به منظور کمک به متربی در راستای تحقیق بخشیدن به استعدادهای وی و پرورش شخصیت او در جنبه‌های گوناگون جسمانی، عاطفی، اخلاقی، عقلانی، جسمانی و...» (بناری، ۱۳۸۸: ص ۱۱). این تعریف ازسویی به عمل واقعیت تربیت نظر دارد که ماهیت تربیت را تشکیل می‌دهد؛ ازاین‌رو، در آن به عناصری اشاره شده است که از تحلیل واقعیت و عمل تربیت به دست می‌آید همانند مربی، متربی و محتواهای تربیت (فعالیت‌های تربیتی)؛ ازسوی دیگر، به هدف تربیت که همان شکوفاسازی استعدادها و قابلیت‌ها و پرورش شخصیت در ابعاد گوناگون است، توجه شده است.

۲. تربیت به معنای نظام تربیتی

نظام تربیتی عبارت است از «مجموعه‌ای از مفاهیم و اندیشه‌های منظم و سازمان‌یافته درباره تربیت که بین آنها روابط متقابل جریان داشته و به اصطلاح نوعی همبستگی درونی دارند و بیانگر کیفیت و چگونگی تربیت، به طور اساسی و پایه‌ای می‌باشند» (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۷۷: ص ۱۷). حال باید دید این عناصر کدام‌اند؟ برای تحقق تربیت با چند سؤال مواجه هستیم که هریک به یک یا دو عنصر از عناصر نظام تربیتی مربوط می‌شود. این سؤال‌ها عبارت‌اند از:

۱. برای چه تربیت می‌کنیم؟

۲. بر چه اساس و طبق چه ضوابطی تربیت می‌کنیم؟

۳. چگونه تربیت می‌کنیم؟

سؤال اول به «اهداف تربیت»، سؤال دوم به «مبانی» و «اصول» تربیت و سؤال سوم به «شیوه‌های تربیت» مربوط می‌شود؛ بنابراین، مهم‌ترین عناصر نظام تربیتی، اهداف، مبانی، اصول و شیوه‌ها هستند.

اهداف تربیت، وضعیت‌های مطلوبی است که فعالیت‌های تربیتی برای دستیابی به آنها انجام می‌شود. مبانی تربیت مجموعه قانونمندی‌ها و واقعیت‌های عینی مربوط به فرایند تربیت است که گزاره‌های تربیتی به آنها تکیه دارد (بناری، ۱۳۸۸: ص ۷۱). اصول تربیت، باید و باید های کلی است که راهنمای عمل مربی قرار می‌گیرد (باقری، ۱۳۹۰: ص ۸۷). روش‌های تربیتی، فعالیت‌ها

و دستورالعمل‌های جزئی است که برای تحقق اهداف انجام می‌گیرد (بناری، ۱۳۸۸: ص ۷۲).

۳. تربیت به معنای علم یا علوم تربیتی

در اینکه آیا تربیت علم واحدی است که از بخش‌های مختلف تشکیل شده است یا مجموعه‌ای از علوم مستقل از هم است، اختلاف دیدگاه وجود دارد. «برخی از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت همانند دولاندشر معتقدند که دانش تعلیم و تربیت واحد است و علوم دیگری که امروز علوم تربیتی نامیده می‌شوند بیشتر درباره موضوع‌های مربوط به تربیت و نه درباره نفس تربیت مطالعه می‌کنند و شناخت پدیده یا فرایند تربیت برایشان اساسی نیست» (کارдан، ۱۳۷۷: ص ۱۱). با این حال، امروزه علوم تربیتی و تعدد و تکثر آن بیشتر پذیرفته شده است و علت آن هم تحول معنی و حدود آموزش و پرورش و گستردگی و چندبعدی بودن آن است که گاه تجزیه و تحلیل و انتخاب شیوه ویژه‌ای را اقتضا می‌کند (کاردان، ۱۳۷۷: ص ۱۱)؛ از این‌رو، در این مقاله نیز علوم تربیتی موردنظر است و به تعریف و معرفی آنها می‌پردازیم.

علوم تربیتی مجموعه معارفی است که از تجربه و تفکر درباره عمل تربیت یا آموزش و پرورش به دست آمده است، اگرچه تعلیم و تربیت هم‌زاد با زندگی بشر است و تاریخی بس طولانی دارد، علوم تربیتی در زمرة علوم نسبتاً جدید هستند و عمر آنها اندکی بیشتر از یک قرن است (کاردان، ۱۳۷۷: ص ۶). این علوم که تعداد آنها به حدود ۱۶ رشته می‌رسد از جهات گوناگون طبقه‌بندی شده‌اند؛ در این طبقه‌بندی‌ها گاه جریان و سیر آموزش و پرورش و گاه موضوع و روش هریک از این علوم ملاک بوده است.

از میان طبقه‌بندی‌های ارائه شده، طبقه‌بندی «گاستون میالاره» دانشمند فرانسوی کامل‌تر و جامع‌تر به نظر می‌رسد و همین طبقه‌بندی در این موضوع مبنا قرار گرفته است. میالاره علوم تربیتی را به سه دسته تقسیم می‌کند:

دسته اول: علومی که شرایط عمومی و محلی تربیت را مطالعه می‌کند که عبارت‌اند از:
الف) تاریخ آموزش و پرورش؛ **ب)** جامعه‌شناسی تربیتی یا جامعه‌شناسی آموزش و پرورش؛ **ج)** قوم‌شناسی تربیتی؛ **د)** جمعیت‌شناسی آموزشگاهی؛ **و)** اقتصاد آموزش و پرورش؛ **ز)** مدیریت آموزشگاه؛ **ح)** آموزش و پرورش تطبیقی.

دسته دوم: علومی که اوضاع و وقایع تربیتی را مطالعه می‌کند و شامل علوم زیر هستند:

الف) علومی که شرایط عمل تربیتی را مطالعه می‌کند؛ مثل: ۱. فیزیولوژی آموزش و پرورش؛

۲. روان‌شناسی آموزش و پرورش؛ ۳. روان‌شناسی اجتماعی گروه‌های کوچک؛ ۴. علم مبادله پیام.

ب) علوم مربوط به روش‌های تدریس و نظریه‌های مربوط به برنامه‌ها (روش‌های تدریس و برنامه‌ریزی درسی) از قبیل: ۱. روش‌های تدریس؛ ۲. برنامه‌ریزی درسی؛ ۳. تکنولوژی آموزشی؛ ۴. علم ارزشیابی.

دسته سوم: علوم مربوط به تفکر و آینده آموزش و پرورش مثل: ۱. فلسفه آموزش و پرورش؛ ۲. برنامه‌ریزی آموزشی (میالاره، ۱۳۷۵: صص ۳۱ و ۴۵ و کاردان، ۱۳۷۷: صص ۱۷-۶).

تأثیر دین در تربیت

همان‌طور که اشاره شد، تربیت و علوم تربیتی سه کاربرد عمده شامل «فرایند و عمل تربیت»، «نظام تربیتی» و «علم یا علوم تربیتی» دارد. حال باید دید دین در هریک از این موارد چه تأثیری دارد.

۱. تأثیر دین در فرایند و عمل تربیت

دین دست‌کم از دو جهت می‌تواند در هر فعالیت تربیتی نقش‌آفرینی کند؛ در ادامه به اختصار این دو جهت را بررسی می‌کنیم:

۱-۱. بیان جواز و عدم جواز شرعی فعالیت‌های تربیتی

با نگاه به رسالت و قلمروی دین مشخص می‌شود که دین برای هر واقعه و عملی حکمی دارد و این حکم در قالب یکی از احکام پنج‌گانه و جوب، حرمت، استحباب، کراحت و اباحه ارائه می‌شود و به‌ویژه احکام الزامی دین یعنی وجوب و حرمت می‌تواند دایرة فعالیت‌های تربیتی را توسعه دهد یا تضیيق کند؛ به سخن دیگر، در یک جامعه دینی، دین با احکام خود اعم از الزامی و غیرالزامی می‌تواند در سه حوزه تربیتی یعنی فعالیت مربی، فعالیت متربی و نیز محتوای تربیت نقش‌آفرینی کند. در زمینه فعالیت‌های مربی و معلم، شرایط و مقررات شرعی وجود دارد که چهارچوب فعالیت‌های وی را تعیین می‌کند. برای مثال از نظر شرعی مجاز نیست از هر روشی برای آموزش شاگرد استفاده کند، همچنان که وی در قبال حق‌الزحمه‌ای که از بیت‌المال دریافت می‌کند مسئول است و نمی‌تواند وقت شاگردان را به بطالت بگذراند؛ از سوی دیگر، مربی نیز اجازه ندارد در هر فعالیتی شرکت کند یا آداب کلاس را نادیده بگیرد و موجب آزار مربی و دیگر شاگردان شود.

برای محتوای تعلیم و تربیت نیز باید و باید های شرعی زیادی وجود دارد، چراکه نمی‌توان هر نوع محتوایی را به متربی آموزش داد یا هر نوع فعالیت تربیتی را تحت عنوان فوق برنامه یا فعالیت‌های پرورشی برای متربیان طراحی و اجرا کرد. برای نمونه فعالیت‌هایی از قبیل موسیقی و رقص از جمله فعالیت‌های آموزشی و فوق برنامه در برخی نظام‌های آموزشی است که از نظر دین اسلام جایز نیست. علاوه بر اینها امروزه با توجه به جنبه حکومتی و دولتی تعلیم و تربیت، و نقشِ نهاد دولت در آن، فعالیت‌ها و برنامه‌های خرد و کلان دولت نیز مشمول حکم دینی قرار می‌گیرد و حوزه تأثیرگذاری دین تجلی گستردگتری دارد؛ بنابراین، دین می‌تواند در هریک از این حیطه‌ها مانع از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی شود که به نحوی مفسده به دنبال دارد و تأثیرات سویی را متوجه متربیان و دست‌اندرکاران عرصه تعلیم و تربیت می‌کند. همچنین، با الزامی کردن پاره‌ای از فعالیت‌ها و توصیه به انجام برخی دیگر با عنوان «مستحبات»، مربی، دولت و متربیان را به انجام پاره‌ای از فعالیت‌های مفید و مؤثر تشویق می‌کند.

۲-۱. زمینه‌سازی برای رنگ دینی بخشیدن به فعالیت‌های تربیتی

عرصه دیگر تأثیر دین در فعالیت‌های تربیتی، زمینه‌سازی برای رنگ دینی بخشیدن به فعالیت‌های تربیتی است. توضیح آنکه یکی از ممیزات مهم دین بهویژه دین اسلام انتساب اعمال و رفتارها به خداوند و داشتن قصد قربت در انجام فعالیت‌ها است. در دین اسلام ارزشمندی اعمال به قصد و انگیزه بستگی دارد و قصد قربت داشتن، ملاکی برای قبولی و ارزشمندی عمل است؛ از این‌رو در دین اسلام کیفیت عمل مقدم بر کمیت آن است و قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَنْهُوكُمْ أَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَالًا» (ملک: ۲)؛ «آن‌کس که مرگ و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک از شما بهتر عمل می‌کنید»؛ بنابراین، در یک جامعه دین مدار همه فعالیت‌های تربیتی رنگ‌بیوی دینی و الهی دارند و مربی و متربی و سایر دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت در آن شریک هستند. روشن است چنانچه فعالیت مربی و متربی و سایر دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت، جهت الهی داشته و از اغراض مادی و شیطانی به دور باشد، امر تعلیم و تربیت در فضایی معنوی و به دور از شائبه‌های مادی، پیوسته ساری و جاری خواهد بود و مربی و متربی، عرصه تعلیم و تربیت را فرصتی برای کسب امتیاز معنوی تلقی می‌کنند و حداکثر بهره را از این فرصت می‌برند؛ در چنین فضا و شرایطی است که درخت تربیت دینی به بار می‌نشینند و تأثیر فعالیت‌های تربیتی دوچندان می‌شود.

۲. تأثیر دین در نظام تربیتی

عرصه دیگر تأثیرگذاری دین، تأثیر در نظام تربیتی است. وقتی از تأثیر دین در نظام تربیتی سخن به میان می آوریم، این تأثیرگذاری به شکل های مختلفی قابل تصور است (نوذری، ۱۳۷۷: ص ۴۴) که به نظر می رسد مهم ترین آنها سه صورت زیر است:

نخست، دین صرفاً درباره عناصر نظام تربیتی اظهار نظر کند و آنها را تجویز یا منع کند؛ برای مثال یکی از عناصر مهم نظام تربیتی، «اهداف تربیتی» است و امروزه مکاتب تربیتی برای خود اهدافی را ترسیم می کنند. مثلاً در تعلیم و تربیت جدید یکی از اهداف، پرورش استعداد شاگردان در جنبه های هنری از قبیل موسیقی و رقص در مدارس است و برای تأمین این هدف، برخی فعالیت ها در قالب فوق برنامه و حتی ممکن است در برنامه اصلی طراحی شود. حال اگر این هدف را بر دین، به ویژه دین اسلام عرضه کنیم آن را منع می کند و در یک جامعه اسلامی برنامه ریزان و دست اندر کاران امر تعلیم و تربیت اجازه ندارند چنان اهدافی را دنبال کنند.

دوم، دین مواد خام نظام تربیتی را ارائه داده است تا پس از گردآوری و صورت بندی آنها، نظام تربیتی شکل گیرد. براساس این تصویر دین نظام تربیتی مدون و سازمان یافته ای را ارائه نداده است بلکه در ضمن محتوا خود گزاره ها یا دستور العمل هایی را ارائه داده که با کنارهم گذاشتن آنها می توان به یکسری مبانی یا اصول تربیتی دست یافت.

سوم، دین به طور مدون و مشخص نظام تربیتی را ارائه کرده باشد و در این نظام مدون هریک از عناصر و اجزا به تفصیل مشخص شده باشد.

به نظر می رسد در تأثیرگذاری دین به صورت اول بحثی وجود نداشته باشد و این از رسالت های اولیه بخش شریعت در دین است. صورت سوم نیز محل تردید است؛ زیرا با توجه به آنچه از منابع اسلامی در دسترس است نمی توان ادعا کرد که در منابع دینی نظام تربیتی به صورت مدون و مشخص ارائه شده است. اما صورت دوم با توجه به گزاره های موجود از منابع اسلامی قابل اثبات است؛ چراکه با بررسی منابع دینی می توان به گزاره های چشمگیری در زمینه عناصر نظام تربیتی رسید که با گردآوری و تدوین آنها می توان به نظام تربیتی دینی دست یافت. در ادامه به نمونه هایی از این گزاره ها در هریک از این عناصر نظام تربیتی اشاره می شود.

۱-۲. تأثیر دین در مبانی تربیت

مبانی تربیت شامل واقعیت های مربوط به هستی و انسان است که در متون دینی به آن توجه شده

است. در متون دینی واقعیت‌های زیادی درباره هستی و انسان مطرح شده است که توجه به آنها رنگ خاصی به تعلیم و تربیت می‌بخشد و در پرتوی آنها تعلیم و تربیت دینی شکل می‌گیرد. در ادامه به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌شود:

۱-۱-۲. واقعیت‌های مربوط به جهان: موجودی مطلق، جهان هستی ازجمله انسان را خلق و تدبیر می‌کند (روم: ۴۰؛ انعام: ۹۴)؛ جهان هستی هدفمند خلق شده است (ص: ۲۷).

۱-۲-۲. واقعیت‌های مربوط به انسان: انسان مرکب از جسم و روح است (ص: ۷۲؛ حجر: ۲۹)؛ انسان موجودی مختار است (انسان: ۳؛ کهف: ۲۹)؛ انسان از فطرت الهی بهره‌مند است (روم: ۳۰)؛ انسان محدودیت‌هایی دارد (نساء: ۲۸).

۲-۲. تأثیر دین در اصول تربیت

اصول تربیت بایدها و دستورالعمل‌های کلی است که راهنمای عمل مربی و مبتنی بر مبانی و واقعیت‌های جهان هستی و انسان است؛ به سخن دیگر، اصل از مبنا گرفته شده و متکی بر آن است. در ادامه برای نمونه به چند مورد از اصول اشاره می‌شود.

- اصل خدامحوری: همه فعالیت‌های تربیتی باید جهت‌گیری الهی داشته باشد.

- اصل هدفمندی فعالیت‌های تربیتی (مؤمنون: ۳): فعالیت‌های تربیتی باید در راستای تأمین اهداف تربیت اسلامی باشد.

- اصل آزادی و اختیار (انسان: ۳): در تربیت باید به نظر متری احترام گذاشت و از تحمیل فعالیت‌های نامناسب تربیتی بر روی پرهیز کرد.

- اصل سهل‌گیری و مسامحت (بقره: ۱۸۵، ۲۸۶): در واگذاری تکالیف تربیتی به متری باید ظرفیت و توان متری را در نظر گرفت.

۲-۳. تأثیر دین در اهداف تربیت

دین متناسب با جهان‌بینی خاصی که ترسیم می‌کند اهداف و غایت‌هایی را برای خود در نظر می‌گیرد و فعالیت‌های تربیتی را در راستای دستیابی به آنها طراحی و تنظیم می‌کند. نمونه‌ای از اهداف تربیتی دینی به شرح زیر است:

رضوان الهی (حدید: ۲۷)، تقوی (حشر: ۱۸)، زندگی پاک (نحل: ۹۷)، هدایت (فتح: ۲۰)، عبادت (ذاریات: ۵۶).

۴-۲. تأثیر دین در شیوه‌های تربیت

شیوه‌ها، دستورالعمل‌های جزئی و فعالیت‌های تربیتی است که برای دستیابی به اهداف در فرایند تربیت استفاده می‌شوند. در ادامه به نمونه‌ای از این روش‌ها اشاره می‌شود: شیوه انذار (شعر: ۲۱۴؛ انبیا: ۴۵)، شیوه تبشير (انعام: ۴۸)، شیوه الگویی (احزاب: ۲۱؛ ممتحنه: ۴)، شیوه استفاده از قصه (هود: ۱۲۰)، شیوه استفاده از تشییه و تمثیل (عنکبوت: ۴۱؛ بقره: ۱۷).

۳. تأثیر دین در علوم تربیتی

دین در زمینه علوم تربیتی نیز تأثیراتی دارد. مهم‌ترین جنبه‌های تأثیرگذاری دین در علوم تربیتی در موارد زیر بررسی می‌شود:

۳-۱. اظهارنظر و بیان جواز و عدم جواز فعالیت‌های مبتنی بر این علوم

از آنجاکه علوم تربیتی پیش‌گفته عمدتاً جنبه تجربی دارند، مستلزم به کارگیری روش‌ها و انجام فعالیت‌های ویژه خود هستند و طبیعی است که استفاده و به کارگیری این روش‌ها و انجام فعالیت‌های مبتنی بر این علوم در یک جامعه دینی، موضوع حکم شرعی قرار می‌گیرد و یکی از احکام خمسه را به خود می‌گیرد. برای نمونه جمیعت‌شناسی آموزشگاهی از موضوعات مهم گرایش جامعه‌شناسی آموزش و پرورش است و در این موضوع به‌نحوی ترکیب جمعیتی و جنسیتی از جمله مسئله اختلاط شاگردان پسر و دختر مطرح است، به‌ویژه در صورت بلوغ، حرمت یا کراحت، موضوع حکم شرعی قرار می‌گیرد؛ یا در زمینه استفاده از تکنولوژی آموزشی در امر تدریس، یکی از مسائل قابل طرح، جواز یا عدم جواز شرعی استفاده از نوارها یا سی‌دی‌هایی است که از نظر آموزشی مفید اما حاوی تصاویر مستهجن است.

۳-۲. طرح مسائل جدید و توسعه در محتوای برخی علوم تربیتی

زمینه تأثیرگذاری دیگر علوم تربیتی، طرح مباحث جدید است که این امر می‌تواند به توسعه محتوایی این علوم بینجامد. برای مثال در دین اسلام برخی آموزش‌های دینی برای کودکان سه و چهارساله توصیه شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۱، ص ۴۷۴) و این امر این پرسش را در حوزه روان‌شناسی رشد دینی مطرح می‌کند که مگر فهم و درک مفاهیم انتزاعی ممکن است که در دین اسلام به آموزش این مفاهیم توصیه شده است؟ این امر به‌طور طبیعی زمینه طرح مباحثی را در روان‌شناسی رشد دینی فراهم می‌کند و به توسعه مباحث این دانش کمک می‌کند. یا مثلاً در

۳-۳. توسعه در علوم تربیتی و طرح رشته‌ها یا گرایش‌های جدید

اضافه بر تأثیر دین در محتواهای برخی علوم تربیتی، دین می‌تواند زمینه تأسیس برخی علوم تربیتی جدید را نیز فراهم کند که مسائل و شاخص‌های خاص خود را داشته باشد. برای مثال می‌توان به دانش «تعلیم و تربیت دینی و مذهبی» یا «تعلیم و تربیت اسلامی» اشاره کرد. در یک جامعه دینی و اسلامی که نظام تعلیم و تربیت آن از فلسفه دینی و اسلامی تبعیت می‌کند، اهتمام به دانش «تعلیم و تربیت اسلامی» به عنوان یکی از شاخه‌های علوم تربیتی در جامعه اسلامی امری اجتناب ناپذیر است.

تأثیر تربیت در دین

همچنان‌که دین تأثیرهایی در تربیت دارد، تربیت نیز می‌تواند تأثیرهایی در دین داشته باشد. برخی از مهم‌ترین تأثیرات تربیت بر دین به شرح زیر است:

۱. طرح موضوعات جدید

دانش تربیت همانند سایر علوم انسانی می‌تواند مسائل جدیدی را فراروی دین قرار دهد و دین را به موضع گیری و اظهارنظر درباره آن فراخواند. بهویژه که تربیت، امری فرآگیر در تمامی گستره زندگی است و از این جهت بیش از علوم انسانی دیگر، زمینه تعامل با دین را دارد. برای مثال در موضوع تربیت جنسی بحث از آموزش مسائل جنسی به نوجوانان در تعلیم و تربیت جدید مطرح است و چه بسا در برخی نظام‌های آموزشی جزء سرفصل‌های آموزشی مدارس قرار گرفته است. حال در یک جامعه اسلامی این مسئله به دین عرضه می‌شود و بحث می‌شود که با توجه به اینکه در این نوع مسائل تأکید اسلام بر اشاعه‌ندادن و به نوعی فردی‌بودن آنها است، آیا از نظر احکام دینی آموزش مسائل جنسی در مدارس جایز است یا خیر و اگر جایز است حدود آن کدام است؟ یا

فلسفه تعلیم و تربیت از نگاه و رویکرد انسان به انسان و هستی بحث می‌شود که براساس آنها اصول تربیتی استخراج می‌شود. طبیعی است که دین اسلام نگاه خاصی به انسان و هستی دارد و این مسئله می‌تواند تقاوتهایی در اصول تربیتی ایجاد می‌کند. توجه به این مسئله می‌تواند زمینه‌های جدیدی در مباحث فلسفه تعلیم و تربیت ایجاد کند. حاصل آنکه در پرتوی نگاه دینی به برخی از این علوم که زمینه بیشتری برای طرح مباحث دینی در آنها وجود دارد، محتوا، مسائل و دامنه آنها توسعه پیدا می‌کند.

مثلاً در بحث تربیت هنری در برخی نظامهای آموزشی، موسیقی و رقص به عنوان دو ماده درسی در محتوای آموزشی گنجانده شده است و فراگیران بخشی از وقت خود را در مدارس، به انجام این نوع فعالیت‌ها صرف می‌کنند؛ حال آیا در یک جامعه دینی این موضوعات می‌توانند جزء برنامه‌های درسی مدارس قرار گیرند یا خیر؟ (بناری، ۱۳۸۳: صص ۱۶۶-۱۶۷؛ اعرافی، ۱۳۹۱: صص ۳۲۴-۳۲۵).

۲. کمک به موضوع‌شناسی در احکام عملی دین

از جمله رسالت‌های دین، بیان حکم وقایع موجود در زندگی انسان است. در پاره‌ای اوقات حدود این وقایع و موضوعات مشخص است و کارشناسان امور دینی به آسانی می‌توانند احکام ویژه آنها را استنباط کنند. اما در پاره‌ای از موضوعات به علت نوبودن و به اصطلاح مستحدثه‌بودن، حدود موضوع چندان روشن نیست و درنتیجه به سهولت نمی‌توان حکم آن را بیان کرد. این مسئله در عرصهٔ تعلیم و تربیت به‌ویژه با گسترده‌بودن قلمروی آن نیز صادق است و در این زمینه موضوعات زیادی نیاز به استنباط دارد. از جمله تأثیرات تربیت و علوم تربیتی در دین، کمک به شناسایی موضوعات و وقایع تربیتی است. علوم تربیتی می‌توانند دستاوردها و نتایج تحقیقات خود را در اختیار کارشناسان دینی قرار دهد و آنان پس از آگاهی لازم از موضوعات جدید تربیتی، احکام شرعی آنها را با اطمینان بیشتری استنباط کنند (اعرافی، ۱۳۹۱: صص ۳۱۸-۳۲۰).

۳. کمک به فهم عمیق‌تر گزاره‌های دینی

مهم‌ترین منبع گزاره‌های دینی قرآن و سنت است و همه احکام و باید و باید نباید های مطرح در حوزهٔ دینی باید برگرفته از ادلهٔ دینی یعنی آیات و روایات باشد؛ با این حال، فهم عمیق مراد و معنای آیات و روایات به منظور دریافت دستورالعمل‌های دینی نیاز به تلاشی عمیق از سوی کارشناسان دینی دارد. به کمک داده‌های حاصل از دانش تربیت می‌توان فهم عمیق‌تری از مفردات گزاره‌ها و جمله‌ها در ادلهٔ شرعی داشت و حتی زوایای جدیدی از معانی را کشف کرد. برای مثال در روایتی از پیامبر اکرم (ص) وارد شده است که: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِّيٌّ فَلْيَئْصَابَ لَهُ» (صدقون، ۳، ج ۱۴۱۳: ص ۳۵۶). به لحاظ فهم اولیهٔ عرفی از این حدیث باید به رفتار کودکانه با کودک به عنوان یک قالب و روش تربیت کودک توجه شود اما با نگاه تخصصی تر و با کمک گرفتن از داده‌های دانش تربیت می‌توان از این روایت برداشت جدید و عمیق‌تری داشت و ادعا کرد که این روایت به بازی با کودک بیش از یک روش توجه دارد و می‌توان در اینجا به یک اصل تربیتی دست یافت و آن اینکه مریبان

والدین باید دنیای کودک را درک کنند و تفکرها، تمایل‌ها و رفتارهایشان در مقام تعامل با کودک، کودکانه و متناسب با درک کودک باشد و بر این اساس نه تنها در اوقات بازی باید فضای کودکانه را درک کرد، باید در آموزش‌ها و زمینه‌های دیگر نیز چنین بود (اعرافی، ۱۳۹۱: صص ۳۱۲-۳۱۳).

۴. ارائه تحلیل تربیتی از احکام دینی

دین در زمینه هدایت انسان دستورالعمل‌ها و باید و نباید‌های زیادی دارد که بعضًاً وجه آنها برای متدينان روشن نیست و درنتیجه بهره کافی از آنها نمی‌برند. یکی از نقش‌های دانش تعلیم و تربیت در تعامل با دین، ارائه تحلیل‌های تربیتی از باید و نباید‌های دینی است. دانش تربیت می‌تواند برخی از اسرار و حکمت‌های احکام دینی را کشف و عرضه کند و از این طریق در یک جامعه دینی نگرش افراد به دین و دین داری را تقویت کند. برای مثال در دین اسلام به نماز و روزه تمرینی کودک قبل از بلوغ توصیه شده است (رک: حرعاملی، ۱۳۹۱: ج ۳، ص ۱۲ و ج ۷، ص ۱۶۸). یا مثلاً دستورالعمل‌هایی در روزه‌ای آغازین تولد نوزاد از قبیل گفتن اذان و اقامه در گوش، عقیقه و کامبرداشت‌نی با تربت امام حسین (علیه السلام) توصیه شده است و ما به درستی وجه این توصیه‌ها را نمی‌دانیم؛ با این حال، به کمک داده‌های تعلیم و تربیت می‌توان بخشی از اسرار و حکمت‌های این دستورات را کشف کرد (رک: بناری، ۱۳۸۸: صص ۱۶۸-۱۶۹؛ اعرافی، ۱۳۹۱: صص ۳۲۲-۳۲۱).

۵. کمک به آموزش دین و تربیت دینی

تأثیر دیگر تربیت در تعامل با دین کمک به آموزش بهتر آموزه‌های دینی و تربیت دینی افراد است. تردیدی نیست که علوم انسانی، از جمله تعلیم و تربیت که حاصل تجربه‌های ممتد بشر است در زمینه روش‌ها، دستاوردهای چشمگیری داشته است؛ بهویژه تربیت که دانشی کاربردی است می‌تواند دستاوردهای خود در زمینه روش‌های آموزشی و تربیتی را به دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت دینی عرضه کند و آنان را در آموزش هرچه بهتر آموزه‌های دینی و پرورش دینی افراد یاری کند (بناری، ۱۳۸۸: ص ۱۷۱). برای مثال یکی از موضوعات مهم و پیچیده تعلیم و تربیت دینی، آموزش خداشناسی و پرورش اعتقادی کودکان است؛ در این زمینه برخی گرایش‌های علوم تربیتی مثل روان‌شناسی رشد دینی می‌تواند اطلاعات مفیدی در زمینه برداشت کودکان از مفهوم خدا به مردمان تربیت دینی بدهد و آنان را در زمینه آموزش و تربیت اعتقادی کودکان یاری کند. البته باید توجه داشت که این تأثیر مربوط به خود دین، به معنای مجموعه معارف و باید و نباید‌ها نیست و ناظر به آموزش دین و تقویت نگرش افراد به دین است که به تحقق دین داری و پرورش دینی آنان کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

دین و تربیت دو مقوله اساسی در زندگی بشر به ویژه در جامعه اسلامی هستند و زمینه‌ها و ظرفیت‌های متعددی برای تعامل دارند. دین عبارت از مجموعه‌ای از حقایق (هست‌ها) و ارزش‌ها (بایدونبایدها) است که از سوی خداوند در قالب وحی و سخنان پیامبر (ص) و اوصیای او برای تربیت و هدایت انسان ارائه شده است. تربیت سه کاربرد مهم دارد که عبارت اند از: «تربیت به معنای فرایند و عمل تربیت»، «تربیت به معنای نظام تربیتی» و «تربیت به معنای علم یا علوم تربیتی». تربیت در کاربرد اول عبارت است از فعالیت هدفمند و دوسویه میان مربی و مترتبی به منظور شکوفایی استعدادها و پرورش وی در ابعاد مختلف جسمانی، عقلانی، عاطفی، اخلاقی، معنوی و.... نظام تربیتی نیز عبارت است از مجموعه عناصر مرتبط و به هم پیوسته تربیتی که هدف واحدی (تحقیق تربیت) را دنبال می‌کند. مهم‌ترین عناصر نظام تربیتی شامل اهداف، مبانی اصول و روش‌ها است. کاربرد سوم تربیت، علم یا علوم تربیتی است. اینکه آیا علم واحد تربیتی وجود دارد یا مجموعه علوم محل بحث است. اما امروزه آنچه بیشتر مطرح است، علوم تربیتی است.

دین با تربیت در کاربردهای سه‌گانه‌اش می‌تواند تأثیر و تأثر متقابل داشته باشد. تأثیر دین در کاربرد اول تربیت در دوزمینه است: اول، بیان حکم جواز یا عدم جواز فعالیت‌های تربیتی؛ دوم، زمینه‌سازی برای رنگ دینی بخشیدن به فعالیت‌های تربیتی. در کاربرد دوم تربیت نیز دین از جهاتی تأثیرگذار است؛ اول، اظهارنظر درباره جواز یا عدم جواز شرعی برخی عناصر نظام تربیتی؛ دوم، ارائه گزاره‌های تربیتی جدید در عرصه مبانی، اصول، اهداف و روش‌های تربیتی در یک جامعه دینی که می‌توان از آنها نظام تربیتی دینی را استخراج کرد. تأثیر دین در علوم تربیتی نیز از سه جهت است؛ نخست، اظهارنظر دین درباره جواز یا عدم جواز برخی محتواها و فعالیت‌های مبتنی بر آنها؛ دوم، کمک دین به توسعه محتوایی برخی علوم تربیتی و سوم، کمک دین به توسعه علوم تربیتی و تأسیس دانش جدیدی چون تربیت دینی.

تربیت و علوم تربیتی نیز در چند زمینه به دین یاری می‌رسانند: ۱. طرح موضوعات جدید در برابر دین و فراخوانی دین به اظهارنظر درباره آنها؛ ۲. کمک به موضوع‌شناسی در بخش احکام عملی دین؛ ۳. کمک به فهم عمیق‌تر گزاره‌های دینی؛ ۴. کمک به آموزش آموزه‌های دینی؛ ۵. کمک به آموزش دین و پرورش دینی (که به نوعی خارج از خود دین اما مرتبط با آن است).

کتابنامه

۱. اعرافی، علیرضا. ۱۳۹۱. فقه تربیتی (مبانی و پیشفرضها). ج ۱. قم. مؤسسه اشراف و عرفان.
۲. باقری، خسرو. ۱۳۹۰. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران. مدرسه. چ چهارم.
۳. بناری، علی‌همت. ۱۳۸۸. نگرشی بر تعامل فقه و تربیت. قم. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۴. جبرئیلی، محمدجعفر. ۱۳۸۶. فلسفه دین و کلام جدید. قم. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۳. شریعت در آئینه معرفت. تهران. مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۶. —————. ۱۳۸۰. انتظار بشر از دین. قم. مرکز نشر اسراء.
۷. جعفری، محمدتقی. ۱۳۸۵. فلسفه دین. تهران. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. چ سوم.
۸. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی. ۱۳۷۷. درآمدی بر نظام تربیتی اسلام. قم. مرکز جهانی علوم اسلامی.
۹. حرعاملی. محمدبن حسن. ۱۴۰۹. تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم. مؤسسه آل‌البیت (ع).
۱۰. حسینی، حسین. ۱۳۷۶ (بهار). «دین در بستر دیدگاهها». معرفت. شماره ۲۰. صص ۴۷-۵۶.
۱۱. خسروپناه، عبدالحسین. ۱۳۸۲. انتظارات بشر از دین. تهران. مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۲. سروش، عبدالکریم. ۱۳۷۵. «ایدئولوژی و دین دنیوی». کیان. س ۶. ش ۳۱. صص ۱۱-۲.
۱۳. صدوق، محمد بن علی. ۱۴۱۳. من لایحضره الفقیه. بیروت. دارالاضواء.
۱۴. کاردان، علی‌محمد. ۱۳۷۷. «علوم تربیتی، مطالعات میان‌رشته‌ای». سخن سمت. ش ۴. صص ۱۷-۶.
۱۵. میالاره، گاستون. ۱۳۷۵. معنی و حدود علوم تربیتی. ترجمه علی‌محمد کاردان. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. نوذری، محمود. بهار و تابستان ۱۳۷۷. «دین و تربیت». حوزه و دانشگاه. ش ۱۴ و ۱۵. صص ۴۴-۳۵.